

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش نامنه تفصیلی

هیچ حزب -
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

تک شماره ۴ ریال

۲ شنبه ۲۱ آبان ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۳۴

برای رفع مشکلات اول تشریک مساعی لازم است

سافری که از بانه و سردشت دو روز قبل بظهران رسیده بود دیروز بدینتر دوزنامه آمد تا از اوضاع آن حدود و وضع پریشان مردم دور افتاده آنجا ما را خبری دهد

داستان هائی که از زندگانی چند ماهه اخیر این گروه مرز نشین باز میگفت شخص را در درباری از نادر غوطه و مساحت و وعده داد با داشت هائی را که از این مسافرت تبه کرده در اختیار ما بگذارد تا ما هم اگر فرمتی شد خلاصه ای از آنرا با اطلاع هموطنان برسانیم.

داستان های قبلی که عدم مصدومی در آنجا مرتکب شده اند و راه هائی که برای جنگ آوردن مال رفته اند واقعا شنیدی بود و لازم است شخص این حقان را بشنود که بر زندگی سراسر مشقت - تهران یعنی زندگی آنان که در نواحی جنوبی این شهر زیبا بنام افراد پایتخت سکونت دارند و قطعاً گران و فقر و بیچارگی و بی آبی و نداشتن بهداشت شکایت دارند و شک برد.

شخصی که این اوضاع را بیان میکرد کرد بود تا تصور کنم روی تعصب به افغان کوئی برداخته کار مخصوص هم با من نداشت که گمان میکنم این مقدمات را برای موخره ای چیده این شخص ماموری بود که دست طبیعت چند ماهی او را باین مکان دور افتاده انداخته بود. ناچه ای که صدای خج و فریاد مظلومان را اگر گوش فلک را کر کنند برده ساخ بکی از اولیای امور را مسترش نخواهند ساخت.

آری مردمانی که در این نواحی سکونت دارند ابرائی هستند و با تمام علاقه و عشق واقعی که بوطن دارند و وزیر بار فشار و ظلم و جور پایداری نموده ولی عاقبت يك يك مانند خسته کوچکی که بین دو انگشت قوی فشرده شود از

لای انگشت ها میروند و بسوی میروند که دیگر برگشتشان بسیار اولیه دشوار است.

این انگشت های قوی و اولوده که این هفته های پرورده شده این آب و خاک را بفراخ برتاب میکنند تا در خاک دیگری رشد و نمو نمایند علا این ناحیه را به ویرانی میکشاند و از ویرانی يك منطقه قسری برای خود بیا میسازند

آخر روزی باید این انگشت های مسوم که در عروقت بجای خون و عناصر مشکله آن خیانت و دزدی رسم کشنده «وطن فردوسی» جبران دارد قطع کرده من امروز از آنچه آن مسافر تازه وارد برایم نقل کرده چیزی بنویسم ولی برای جلوگیری از ادامه این وضع رفت و بارو این زندگی بدتر از مرگ با بیاں و وجدان اولیای مسئول فعلی توسل جسته وزیر کشور و وزیر جنگ را مخاطب قرار داده سپس دقت فرمانده لشکر قسری کرستان را بنگانی چند متوجه مینمایم

آقای فهیمی شما با سوابق مثبتی که در امور ملکیت دارید و با اطلاعات کافی که در مسافرت سال گذشته از نواحی مختلفه کرستان کسب کردید و با آنچه از وطن پرستی و علاقه مردم این سرزمین شاه و ملکیت بیان نمودید امروز که در راس وزارت کشور هستید آیا مجال خواهید داشت که آنچه را سال گذشته خود دیده اید از مد نظر بگذرانید و آنچه را که در این باب نوشته اید دوباره مطالعه کنید و آنچه را که گفته اید مجدداً تکرار کنید و از مجبوره آنها قسری در عمل بگذارید.

آقای فهیمی لیدانم تو فغان این و آن گرفتاری های روزانه وزارتخانه شما فرمت خواهد داد که بیاس احترام و استقبال شایانی که مردم این ناحیه از شما کردند و علاقه ای که بوطن نشان دادند

علاقه حقیقی برای آنان تامین کنید. صادر سال گذشته مطالعه دقیقی در احوال این مناطق نموده و مهابت کار و سوء سیاست ماموران را از نزدیک مشاهده کردید آیا فرست خواهید داشت این مهابت را تا حدی که مقدر است مرتفع کنید و روش خاص و ناشی اتخاذ نماید که هم خدمت پدملکت باشد و هم خدمت ملت.

از مسافرت سال گذشته شما که بنام وزیر مشاور و فرستاده شاه بکردستان عریض نمودید مردم انتظاراتی داشتند ولی متاسفانه تمام آن انتظارات به عکس نتیجه بخشید یعنی نه تنها سرگیری از دوش مردم برداشته نشد بلکه بار ظلم و تعدی و اختناق عمومی سنگین تر شده و چیزی نمانده بود که حتی آخرین رمق نیز گرفته شود و آخرین نفس هم قطع گردد.

امروز که شما در راس وزارت کشور هستید مردم کردستان انتظار دارند آن مشکلاتی که لایحل مانده امروز حل شود امروز شما در کابینه ای شرکت دارید که اکثر اعضای آن مورد اعتماد نام و تمام مردم است رئیس دولتش شخص یا کدامین وطن پرست است امروز موقع خدمت است آنچه را امروز شما در باره کردستان تمام اصلاحی بردارید از طرف مردم با نهایت جدیت پشتیبانی خواهد شد زیرا مردم این نواحی بگفته های شما اطمینان خاطر دارند و میدانند شما چه صلاح ملکیت و آنان نظر دیگری ندارید میدانند که شما عرض تیشبه بنابر این با علاقه و اطمینان گفته های شما را جامه عمل میوشانند.

این سدهای سیدی که ایجاد کرده بودند از یکطرف بین مامورین لشکری و کشوری و از طرف دیگر بین مامور دولت و مردم باید برداشته شود. لشکری و کشوری جدائی ندارد هر دو باید برای ملکیت کار کنند هر دو باید صمیمانه دست بدست هم دهند و با توافق نظر کامل و ظایف خود را طوری باهم منطبق کنند که هر مشکلی با آسانی حل شود نه اینکه مانند چند ماه پیش هر آسانی را مشکل سازند.

وظایف مامورین وزارتخانه خود را که در مناطق کردستان خدمت میکنند سریعاً با آنها خاطر نشان سازید از آنجا کار بخواهید از آنها نتیجه عمل بخواهید. نمایندگان وزارت کشور که در نقاط مختلفه ملکیت هستند وظایف بزرگی بر عهده دارند که اگر انجام دهند قطعاً در سرنوشت مناطقی که تحت سرپرستی آنهاست موثر بوده و بیباید خواهد رفت و اگر فقط بخواهند اوقاتی بگذرانند و کارها را بجزایر طبیعی و تضار قدر بسیارند. آن ناحیه دچار تحولاتی خواهد شد که سستی آن مامور را یگانه عامل بدبختی آن باید شناخت.

مردم احتیاج بر راهنمایی دارند در بعضی اوقات باید تشویق شوند این راهنمایی ها و این تشویقات باید بوسیله ماموران شما اجرا شود که در همه جا ارشدترین ماموران هستند بنا بر آن تصویب نامه ای هم که در او اواخر سلطنت شاه قزاق گذشت ست ریاست و سرپرستی را بر سایر ادارات و دوایر دارند.

اگر چنین سستی با آنها داده شده برای وزن شمر لیدو موبیرای اینهم نبوده که مامورین وزارت کشور بانکاء آن فقط با پدر آستین بکنند بلکه برای این بوده که بتوانند روسای ادارات دیگر را جمع کنند و در کارها مدوروت نمایند و تحت سرپرستی آنان آن مسیبت پایه دو صفحه ۸

بنام آقای سیروس انور
ازسندفج

نوبد آزادی

پشای کسانیکه در محیط بیچارگی متولد شده و در مهد ذلت و بدبختی نشو و نما کرده‌اید نوبد یاد که فرشته آزادی از روی خویش نقاب برداشته و بروی شما تبسم میکند.

برای شما که عری را بفقر و فلاکت گذرانیده‌اید، برای آنهایکه از دیر زمانی عنایت ظلم و استبداد بر آنها جیره شده، این مژده بس فرح بخش و نشط انگیز است.

چه دیگر مادران، جوانان و فرزندان دلبر خود را فدای هوی و هوس بکشت جبار و سنگر لسی بینته و برزگران و دهقانیکه هزاران زحمت را بامید کسب معیشت هموار نموده دسترنج خود را دست خوش تاراج و جوارل مشاهده نمیکنند.

دیگر در زمین و جلادان نخواهند توانست مدافعت مردم زحمتکش را در آغوش سرد و تاریک زندان پنهان کنند و هر حلقومی را که از آن فریاد مرده باد سخنان و غارتگر بیرون می‌آید با چنگال پست خیانت بار نامردانه خفه و نابود سازند.

دیگر طایلی های دیگکتانوری آن قدرت نخواهند داشت که ملت رنج دیده را چون گوسفندانی فصای ناپند و بنام قانون مرتکب هرگونه فجایع و جنایات شوند.

کردهای مسلح عراقی

در خاک ایرانه

بقرار خبری که در جراید متمسک گردیده دو هزار تراز اتباع ملامعطلی بازرانی از چندین پیش بهاک ایران وارد و در تراء چالو - لواسلو - سلدوز لاهیجان - اشویه - نهد و اطراف مهاباد در بین اگراد ایرانی سکونت داده شده‌اند افراد مزبور چون فاقد مایحتاج زندگی و بلاوه عوماسلح هستندا کرد ایرانی را از هنگام ورود مجبور به پرداخت اعانه و غوار بار نموده‌اند و برتراییکه میگویند این تواسی دچار نا امنی و مردم نگران میباشند.

پس شای شده بدان و شای رنج کشیدگان ظلم و استبداد پایید دست بدست هم داده، ازادی خودگی و غفلت بیرون آمده مبارزه اساسی را بر علیه غایتین و خیانت کاران آغاز کنیم.

در این موقع که شورید عدل و دادا پس افق سعادت جلوه گراست و در کالبد ما روان تازه بهشتیه بیاید یا بیروی اتحاد اتمام نهشت عظیمی که هدف اصلی آنوا گون ساختن کاخ ظلم و بیادگری است بیا کنیم.

میبین فروشان و بیدادگران و نابود سازیم و آزادی و عدل و داد را برای خود و نسل های آینده بدست آوریم.

الفبای آسان

گروه طرفداران الفبای آسان را عقیده این است که با الفبای آسان هر بی سواد ممکن است در يك هفته کاملاً با سواد گردد و اگر هر کس یاد گرفت به سه نفر بیسواد دیگر یاد بدهد پس از سه سال يك بی سواد در ایران دیده نخواهد شد.

در این باره هر کس طالب توضیحات بیشتر است با آقای ابوالقاسم آزادمرافی در تهران بالای خیابان سی متری مکانه نماید.

الفبای آسان

ا	ذیر	ز	س-ت-س
â	آ-ها	ی	ش
b	ب	ك	ت ط
c	ج	ل	او
ç	چ	م	و
d	د	ن	خ
e	ذیر	پیش	ی
f	ف	پ	ظ- غ-خز
g	گ	ق- غ-	واو مجهول
h	ح-ه	د	همزه باع ساکن

(۱) علامت حلق برای حفظ و تسابین اصل مانند

کین جهان inehân ک'او کرتوتو k' azto

اینک چند جمله با الفبای آسان ذیلا چاپ میشود:

دوستی با مردم دانا نکوست دشمن دانا به از نادان دوست
du=ti bā mardome dānā nekust dowmane dānā
beh az nādān dust

خلف و دهنه بسیار بد است.

kolfo vaēda besyar bad ast

« یادآوری »

بعضی از مشترکین محترم ارسال وجه اشتراك را فراموش فرموده‌اند لذا بدینوسیله یادآوری میشود در صورتیکه به بنای این روزنامه علافتند هستند در ارسال وجه اشتراك تسریع فرمایند.

کوهستان

از مشترکین محترم تقاضا میشود در ارسال وجه اشتراك تسریع فرمایند

وقایع آزارات

۴۰۰

مهاجرین کلی زلیلیان همه به آزارات اعزام شده بودند و باین ترتیب همدیاری به آزارات ریخته در امر ماش اشکالات قراردانی بوجود آمده بود آزارات از هرسو تحت معارضه شد پذیرا گشته بود. هواپیمای های ترك هم مرتباً سوزن های سوراخ کشته را بر جاده ها و میان آزاراتی ها می ریختند.

این هوا پیمایها که همیشه در آسمان آزارات در پرواز بودند گاهی هدف کلوله قرار گرفته برود کلاه خود بر نی گشتند. یکی از این هواپیمای هاغیلی بلند پرواز کرده بود و از میدان تیرس آزاراتیها خود را خارج ساخته بود خود را به ارتفاع مرتفع ترین قله آگری رسانید. این دیگر برای آگری قابل تحمل نبود، به پشتش بر میخورد.

ذیرا آگری تا بحال سرش را از چشم بشر پنهان نگاه داشته بود امروز آگری نتوانست اجازه دهد که دشمنان فرزندانش تا این حد جسور بوده بانه پروازی کنند میبایست این دشمن جسور تنبیه خود. یک سیلی تنبهداد آگری هواپیمای را چنان سرنگون نمود که به ناحیه آزارات پرتاب شده غلبتش غردو نابود شد و بدین وسیله آن بیچاره بکیفر رسید و توانست آنچه را دیده است بدیگران نقل کند.

وقت بر کشتن بقتلاق رسید، چادر های آزاراتیها با طرف پالین کشیده شده بود؛ نادریک پسر دلاور و دلاکار حسین پاشا مامور تهیه آذوقه شد

با پنجاه سوار از آزارات حرکت کرد.

اینجا باید گفت که پسران حسین پاشا برخلاف پدر در راه آزادی و خدمت بملت خود جانفشانیها کرده دویس اقران محبوبیت و احترام زیاد داشتند و باز باید توضیح داد که کشته شدن حسین پاشا یا تمام فجایع کارشکنی هاییکه نسبت بملت نمود نموده بود تمام ملیون را متاسف ساخته بود. بطوریکه فائش «صدنی» که از امرای موش بود در زمره مجرمین و خیانتکاران ملی قلمداد شده است.

فرماندهی ما که امتداد وطنی را که آزاراتیها بدولت شاهنشاهی ایران داشتند بر علیه آزاراتیها مورد آزمایش قرار داد!

بدین ترتیب که نایب اول آخالووف و ابرسرحد آزارات فرستاده فرمانده کرد را اطلاع داد که آزاراتیها میتوانند کاروانسی ترتیب داده بدهات ماگو بفرستند و آنچه را از آذوقه مورد نیاز دارند خریداری کرده با آزارات ببرند اگر واقعا این پیشنهاد حقیقت داشت کمک بزرگی با آزاراتیها بود و در آن ایام تک برای مجاهدین کرد ارزش فوق العاده ای داشت ولی متأسفانه اینهم يك نیرنگ برای فلج کردن حرکات و تقابل قوای تدافعی آزاراتیها بود.

آزاراتیها بقسی که در مقالات پیش اشاره شده است خودشان را از تراد خالی ایرانی دانسته انتظار هیچ اقدامی را بر علیه خود از دولت ایران نداشته بنا بر این از این مساعدت فرماندهی ما کو خوشحال شده و با شکرانه و امتنان خارق العاده کاروان بزرگی تشکیل داده پسایران روانه نموده ولی دیگر روی آن کاروان را ندیدند!

ذیرا روز دوم حرکت کاروان قوای عظیم ترك آخرین و بزرگ ترین حمله خود را بر کز آزارات شروع نموده و قسمت خاك ایران هم که در پشت آزاراتیها واقع بود برای سرکوبی کردها در تحت اختیار ادرش

بشم آقای ملیبان یونسی لیسانس حقوق

کرمانشاه متروک

«اثر محوی»

بیرسه حال احمالی و فبابس
بترسه توله حق، جور و جفابس
به کامی قیرو بیگانه برا له
بری بونت له یار و آشنا بس
الهی بی بلا بی نخلی بسالات
بری بومن بلا بو هر بلا بس
تزیکه مردنت ای پیره زاهد
وده با توبه که بن ایترو یابس
خدایم دردی عشقم لی نکاکم
هتاهم بس له بانای هر دوا بس
له سرتی پر بووه جویناوی جرکم
به سهر ما بنیه ای دل ماجرا بس
که من دل پر کدرم و لیلله عیشم
له کن من بس بکن باسی صفا بس
که نادا «محویا» دادی به حالت
بسی بی داد و آه و ناله سابس
این نزل را آقای ح.ق. از بوکان ارسال داشته اند.

۸-

قصه شیرین

در مقاله امروز بشرح توابع کرمانشاه برداشته و از قصر شیرین که یکی از نقاط مهم مرزی غربی ایران است شروع مینمایم. حیدرآه مستوفی صاحب ترهه القلوب چنین مینویسد:

«قصر شیرین از اقلیم مهم است خسرو پرویز ساخت جهت همجواری اش شیرین و آن قلعه بزرگ بوده است از سنگ لاشه و کچ دورش دوهزار گام است و در غربی آن قلعه خسرو پرویز باجگاهی ساخته بود و در باطنی سخت عالی جهت آینه و روده و از آن رباط اندکی معور است آب حلوان از آنجا میگذرد و هوای عظیم به دارد و بهنگام گرما اکثر اوقات آنجا باد مسموم آید.

جویی که گویند شیردرو میرفت جهت باجگاه ساخته اند که بر بلندی است تا آب روان بر باجگاه باشد و بسکن که خیک شیر در آن افتاده باشد تا باجگاه و قلعه برده اما آنجا که قم جوی است زیرا که زهر گیاه است چرا که گله نیست»

راجع بجوی قصر شیرین در چند سال قبل اقدامات مفیدی از طرف عده ای از معتمدین محل بعمل آمده جوی بزرگی احداث شده که از رودخانه الوان (حلوان) منشعب میشد و پس از طی دور سفری مسافت قصر شیرین و اطراف آن را مشروب میساخت این قدم بوسیله اقدامات و جدیت آقای آقاری (باک نشان) امین دارائی وقت که علاقه خاصی نشان میداد پیشرفت نیکویی حاصل کرد و دولت اعتبارات کافی باینکار اختصاص داد جوی اتمام تکمیل و مرمت گشت و مورد استفاده شایان قرار گرفت ولی منافسان بقراری که شنیده میشد بر اثر عدم توجه و مراقبت فلا خراب می باشد.

در کتاب «ایران در زمان ساسانیان» تألیف پروفسور آرتور کریستن سن که بوسیله دانشمند گرامی آقای رشیدیاسی ترجمه شده بحث شیرینی راجع بشیرین که قصر بلو منسوب است ذکر شده که مقدمه از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت:

«محبوبه خسرو، شیرین نام داشت که بتول تملایی «بوستان حسن و رشک ماه نام بود».

چون شیرین عیسوی بود بعضی از مورخان غربی و شرقی او را از رومیان دانسته اند اما اسم او ایرانیست بنا بر قول سبوس از مردم خوزستان بود.

از علافندان تمنا میشود اطلاعات خود را راجع به جوی قصر شیرین و وضعیت فعلی آن و اقداماتی که اخیراً شده برای مابنویسد»

تعالی و فردوسی شرح تدابیر شیرین را که در جلب عاشق یوقای خود بکار می برده و تفصیل عروسی او را با خسرو نقل کرده اند و تدبیر ماهرانه پادشاه را که در اسکان بزرگان بهرچ داد تا توانست دختری از طبقه فروتر را بعهده خود در آورده ذکر نموده اند.

پلمی قصه معاشقه فرهاد و شیرین را آورده است و چنین میگوید:

«فرهاد فریفته این زن شد و خسرو او را بکندن کوه بیستون گماشت. فرهاد در آن کوه بیربدن سنگ مشغول شد و هر پاره که از کوه میبرد چنان عظیم بود که امروز صد مرد آن را نتواند برداشت.»

قصه فرهاد و شیرین و خسرو و شیرین موضوع بسی از منظومات عشقی و حماسی ایرانیان شده است:

فردوسی قصه گفته شدن ماربا (مریم) را بدست شیرین چنین بنظم آورده است. ز مریم همی بود شیرین بدرد همیشه ز رشکش دور خارمزد برجام شیرین ووا زهر داد شد آن دختر خوب قیصر نژاد از آنکار آ که نبود هیچکسی که او داشت آن راز تهاوس چو سالی برآمد که مریم ببرد شبستان رزین بشیرین سپرد پناهی قصر شیرین بر پناه های عشق و محبت استوار گشت. قصر شیرین ساخته

شاه پادشاه پادشاه طراز خود در آن ایامی را بخوشی بگذراند و سختیها و ناگواریهای روزگار را در دقایق خوشی فراموش کند و با عشوقه خود بهترین اوقات را بسربرد.

در آن ایام تصور نیرفت که روزی این کانون نیکبختی و سعادت بپایان ای عظمت زامبدل شود آن مکانی که روزی آرامگاه یکی از شاهان مقتدر بوده امروز فراموش خانه ای پیش نباشد.

قصر شیرین برای آن بنا نشده بود که امروز مانده بجایگاه فقر و مسکنت بوده و مردمانی که از هر حیث در شکنجه و عذابند ساکنین آن را تشکیل دهند.

قصر شیرین که یکی از نقاط مهم مرزی است و از لحاظ سیاسی هم اهمیت بسزائی دارد طبق تمسینامه هیئت وزیران به شهرستان مبدل شده حدودی از شمال بکردستان از جنوب بمرستان از شرق بکردند و از مغرب بمراق میباشد.

آب و هوای آن در تابستان گرم و شیبش بطرف جلگه بین، انهرین و محصولات آن کندم - نخلات - مرکبات و انواع میوهها میباشد.

قصر شیرین در زمان باستانی مسکن زمستانی سلاطین ایران بوده و بطوریکه آثار خرابه های متعدد آن هنوز باقیست.

قصر شیرین حالیه در محل شهر قدیمیتر بنا شده که اولین شهر سرحدی بشمار میرفته و خرابه های تاریخی آن اغلب جلب نظر مسافرین را نموده و بنایش را بخسرو پرویز نسبت میدهند که شامل باغ وسیعی بادو قصر بوده و اردوگاهی بزرگ در مرکز شهر فعلی بنا شده که حصار محکمی داشته.

قصر سلطنتی در وسط باغ وسیعی قرار داشته که جز دیوار انری از آن باقی نیست در روی دیوار شهری برای انتقال آب ساخته شده است.

در آن ایام قصر شیرین بشکل چهارضلعی بوده و استخر بزرگی داشته و در طرف جنوب قلعه دیگری موسوم بجهار در (بامطلاح عرف محل آن را چهار قای میگویند) وجود داشته است.

مجبوه این ابنیه اهمیت شایان توجه آن را مرفعی کرده و از آنجا بیکه این بناها از کچ و سنگهای کوچک ساخته شده معلوم می شود در ساختن آن تمجیل نموده اند. نزدیک آن قصر قصر دیگری برای محبوبه خسرو پرویز ساخته شده است.

بنام هیات اجلاس آزادپور
از سنندج

قانون چگونه اجرا میشود !!

از طهران

از طبعم آقای طاهر هاشمی

رفیقان شیت شیدای سازی چاری دیده کالکیم
خمیده باری رنج و محنتی زیبا نهالیکم
که زلفای له سررو لانه دادستی پر اعجازی
نه ای بر بائه کا گیابه مانگی رنجی سالیکم
بلین با مدعی خوی هانه کیشی دی به سرمن دا
بصد خرمن گلی نادم لقیکی در کودالیکم
سویدای خاطر و فرمیسی خورین ناهمدن مردم
بیاد لیوی آلی لهیتی بیروزه خالیکم
محاله وصلی دلبر و چه فکری ماچی روی بوچی؟
که او سلطانی حسنه ومن گدای ویرانه مالیکم
رقیب تاساره دنکی قرخه قرخ و لرخه لرخی دی
نه بی له و قرخه به ش ترسم بیی ایامتالیکم؟
چه ج ولوری سگان گوی عالم پر کرده ومن وا
له شوقی رومتی بدری بمانندی هلالیکم
به خنجر لت لثم کن دامنی دلبر له دس نادم
رقیب ویستی بترسینی بگره و قرم و قالیکم
اسوری بندی عشقم شیفتهی در دی دلم «طاهر»
غزل بیژم حزینم ویل و دیری چاو غزالیکم

در اینجا شه ای از سرگذشت توقیف غیر قانونی خود را مینگارم تا خوانندگان محترم مستعضر شوند قانون در نواس قدری دور دست این کشور چگونه اجرا میشود. پس از خداحافظی از فرماندار نظامی در هنگام خروج از ستاد لشکر توسط رئیس دژبان در ساعت ۱۸ روز ۲۴/۶/۳۱ بدون توجه بنامه ۱۲۱ اصول معاکات جزائی و ۱۹۲ قانون مجازات عمومی توقیف شدم. عده زیادی محافظان را هم همراه کرده و در ساعت ۲۱ بوسیله ۴ سرباز و یک افسر و یک گروهبان مسلح در حالیکه تیره تفک پوده ذخیره گذاری هم کرده بودند بهال دست تفک به خارج هدایت نمودند. منظره اودوگاه و معاملات با توقیف شدگان آنجا را که اغلب در بیک گوردل و جلو آفتاب تابستان زجر میکنند در نظم مجسم گردید ولی در اینجا خوشبختانه مرا بشهر یانسی اعزام میداشتند قبل از غروب آفتاب یک ستوان دوم و پنج نفر سرباز مسلح و یک گروهبان کورچه و مزلم را فرق و بدون کسب اجازه وارد خانه ام شده بودند. پلاناسله پشت بام حیاط دیوار خانه های مجاور درب منزل و مدخل ایوان توسط مستحفظین اشغال گردیده بود که بدون شک و تردید مشمول ماده ۱۳۳ قانون مجازات خواهد بود. غروب تازه سروان امین پور باز پرس به سمت سروان ناجی افسر صفی و رسدیان حقیقی کلا تر معمل و دو نفر پلیس مسلح برای تحمس خانه وارد شده بودند.

اگر این اعمال را با مواد قانونی که تا بحال وضع شده بسنجیم خواهیم فهمید تا چه اندازه منافی عدالت و بدون شک غیر از باز پرس همگی مشمول ماده ۱۳۸ قانون مجازات میباشند.

هنگام توقیف دو شهر بانی پس از تساعت پاکت لاک و مهر شده ای که امر توقیف بود از طرف همان آورده. با پاکت دیگری تعویض شد این میادله هم بدون کوچکترین مقاومت با پور نگهبان شهر بانی هلی شده. گویا مسلکی کمر قتل مرا بسته بودند!!

پس از شب نگذشته بود کلا تر مرکز که در غیاب رئیس شهر بانی (برای ملاقات فرمانده لشکر به اورامان رفته بود) کفالت و ادانت با ایشکه سرانجام فرماندار نظامی دستور کتبی داده بود که مراد در شهر بانی توقیف نمایند با بدتره ۳ نفر پلیس بوضع موطنی در اثر دستور سر بهر اقبال پور بزندانم گسیل داشته.

(بیچاره به حال خوش خدمتی افتاده بود آتمم در این نصف شب)

اما باید گفت در تمام دنیا بین توقیفی و مجوس فرقی هست و در این مورد هم قوانین ملکیتی نیز تفاوتی قائل گردیده ولی کیست که در این شب تاویک چراغ در دست گرفته قانون را بخواهد آتمم در گوشه ای از ملکیت که خیر از قانون هم چیز حکم فرماست. اگر دقت شود آمرجس من مشمول ماده ۱۳۲ قانون مجازات صومی میباشند.

در این توامل از قانون اساسی و ماده از اصول معاکات جزائی را نقل میسایم تا خوانندگان بهتر متوجه شوند که اعمال مامورین در مرکز این منطقه سرمدی بقدر قانونی است و صحیح است و بداند چگونه قوانین که بدست نمایندگان این مردم بیچاره تهیه شده در باره آنها اجرا میشود.

«بره کشان بسود» از دادستان نماینده خواسته بودند چون مجوزی برایین عمل نبود نمایند دادرسی و عدلیه از آمدن خودداری کرده بودند (آگامی مامورین وظیفه شناس هم یافت میشوند.)

در اینجا لازم است توجه اداره کل شهر بانی و شهرسانی مستدج را به غبط کلا تر معمل جلب نمائیم که چرا پس از مشاهده اشغال منزل اینجانب از طرف سربازان بدون نوشته کتبی از فرماندار نظامی و کسب تکلیف از اداره مربوطه مبادرت بشرکت در این عملیات نموده و چرا مواد قانون و وظایف مربوطه را در نظر ننگرته و پس از تحمس مجدد همان شب تا ساعت ۳ صبح در اشغال منزل شرکت داشته بود. به مختصر توجیه ایشان هم مشمول ماده ۱۳۳ قانون مجازات عمومی خواهد شد.

آقایان فون الذکر بدون در نظر گرفتن ماده ۹۷ اصول معاکات جزائی در غیاب اینجانب و شهود تعقیب پس از جستجو و کاوشهای زیاد و قرائت لثیه اوردان از طرف تمام آنها بدون اخذ

فوقا نمونه ای از اعمال قانونی را ذکر نمودم اینک اصول و مواد آن.

اصل نهم قانون اساسی افراد مردم از حیث جان و مال و شرف مصون از هر نوع تعرض بوده متعرض احدی نمیتوان شد مگر بحکم و ترتیبی که قوانین مملکت مبین مینمایند.

اصل سیزدهم - خانه و مسکن هر کس در سلط و امان است در هیچ سکنی قهرا نمیتوان داخل شد مگر بحکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده.

ماده ۹۱ اصول معاکات جزائی - تحمس در منازل در مواردی بعمل میآید مگر بر حسب دلایل کافی بتوان تصور نمود که مرتکب یا اسباب و آلات جرم با دلایل آنرا میتوان کشف کرد.

ماده ۲۲ - تحمس در حضور صاحبخانه و شهود تعقیب بعمل میآید در صورتیکه صاحبخانه غایب باشد در حضور عیال یا بزرگتر خانه بعمل میآید.

ماده ۹۳ - اشخاصی که در امور جزائی شرکت دارند میتوانند در موقع تحمس و تجسس حاضر باشند ولی سایر اشخاص نمیتوانند داخل شوند مگر با اجازه صاحبخانه.

اگر آنچه در اول ذکر شد با این اصول و مواد منایه کنیم معنی اجرای قانون و چگونگی مجریان آن آشکار خواهد گشت.

درباره دارد

بقلم آقای محمد مردوخ (آیت الله کردستانی)

گرد و گردستان

-۲۲-

سنه اردلان

حکومت محمد خان گرجی

پس از عزل محمدخان اردلان در ربیع الاول سنه (۱۱۱۳) محمد خان گرجی مامور کردستان شده برمنند حکمرانی جلوس میسایندین محمدخان پس از ورود بکردستان خود را اهل تشان و بیرو امام شافعی معرفی نموده و در فرایش پنجگانه با اهل ملک بیجاقت نماز خوانده و در توسعه شهر سنه دوازده امامت مجدهانه نموده مساجد و مدارس متعدد بنا کرده و در جنب بازار هم در زمینی که ملک موروثی ملا عبدالکرم قاضی بوده (اعلیجده مرالی کردستان) یکباب کادو انسرا مشتمل بر شصت و شش حجره تختانی و فوقانی بنا نموده و پس از تمام آن اعیانی و بهره آن را وقف عتبات عالیات نموده و تولیت آن را بقاضی عبدالکرم بیروا گذار کرده است که هر ساله عشر مدخل آن را بنام حق الارض و حق التوبله برای خود دریافت دارد و بقیه را حواله عتبات عالیات نماید

پس از سه سال حکمرانی مفیدین سنی شدن او را برض پادشاهی رسانیده در سنه (۱۱۱۶) محمد خان مذکور را معزول و بجای او حسعلی خان مامور میگردد.

(حکومت حسن علی خان)

پس از عزل محمد خان گرجی در سنه (۱۱۱۶) بپوجب فرمان شاه سلطان حسین حسعلی خان پسر محمد مومن خان اعتماد الدوله بحکومت کردستان مامور شده است.

این حکمران بکس محمد خان حکمران سابق در مذهب تشیع متعصب و در ترویج آن شروع بجدو جهد و بذل مساعی نموده بدرجه که از حد افراط هم گذشته بنای اعمال غرض با اهالی می گذارد صب و رفش را جزو زینت محضر خود قرار داده و جان و مال اهل تشن را طناحلل میسازد و از قرار منقول روزی بزم شکار از قلعه حکومتی بیرون آمده سوار میشود و از جنب بارگاه (پیر همر) که در جلودارالدیاله واقع است میگردد از ملتزمین رکاب میبرد که این بقمه مال کسیت یکی از ملتزمین میگوید بقمه پیر همر است.

آن شخص وحشی از شدت تعصب بعضی شنیدن کلمه (عمر) غضبناک شده امر میدهد که تا مراجعت او آن بقمه و بارگاه را با خاک یکسان کنند . حسب الامر تا مراجعت او آن بقمه و بارگاه را بیکداریت بر جای بماند .

از فضا هنگام مراجعت به دارالدیاله مبتلای در ددل میشود . وساعت چهار از شب گذشته از دزدانیا در میگردد هنگام جان دادن با اهل و عیال خود میگوید من مرضی نداشتم . پیر عربها انتقام خود را گرفتند نسبت این امام زاده سابقا بیان شد .

مدت حکومت حسعلی خان مذکور دو سال ناقص بوده است .

(حکومت حسعلی خان)

برادر حسعلی خان

پس از فوت حسعلی خان در سنه (۱۱۱۸) هجری حسعلی خان برادرش (پسر محمد مومن خان اعتماد الدوله) از طرف شاه سلطان حسین با بابت کردستان بر قرار میشود .

این حکمران از برادرش متمسکتر بوده . خصوصا واقعه فوت برادرش که نقل مجالس و نقل معانی بود بیشتر او را عصبانی ساخته . باسبب بهروسیله هر بهانه اسباب اذیت و آزار اهالی را فراهم میآورده است که بالاخره مردم تار حرکت و اعمال او را نباورده . در سنه (۱۱۱۹) براو شوریده اند و اعیان ولایت و هسبار دربار اسفهان میشوند . او را معزول میسازند و کبخسرو بیک بساول بجای او حکمران میشود .

مدت حکومت حسعلی خان یکسال و چهارماه بوده است

(ضابطی کبخسرو بیک بساول)

پس از عزل حسعلی خان در سنه (۱۱۲۰) هجری کبخسرو بیک بساول شاه سلطان حسین بر مسند حکمرانی می نشیند این حکمران پس از ورود بکردستان اهالی از وضع حرکت و معاملات بی اطلاعاته او که با مقام حکومت و رویه اسالت تناسب نداشته ملتفت میشوند که شخصی فرومایه و ناچیبی بوده . و منتهی درجه ترقیات او بساولی در بار بوده است بنا بر این دیگر مردم چندان باو آمیزش نمیکندند . و باو سر فرود نمی آورند . و هر امری هم که میکنند عینم و لاجبری می کنند . و بالاخره میانه او با اهالی بهم خورده . اهالی بر او میشوند و او را بیرون میکنند . و عریضه بشاه مینویسند که کردستان سنی خانه است . و بتبیر مذهب برای اهالی ممکن نیست . بنا بر این فرستادن خارج مذهب خصوصا که اهل تشن و تعصب باشد .

بعلاوه فرومایه و ناچیب هم باشد . بالتبیه مابده دودس برای دولت و ملت

پی شینیان و تویانه

۱- له به ره و دیم ، آرام وا . به پشتا آردم کورک
أم خوا

- ۲- پشی له نیه له عالو ، هشکان تری نی نی یانه .
- ۳- که بنی آدم ده سی نه روا به موسای ای زی آغه دائی .
- ۴- له ترسی ماربال آدم به آکر مو .
- ۵- به صد سوزن گاره سنی کی تیانوی .
- ۶- بنی آدم تا بد نه پیشی بد خانه نا کابه یاد .
- ۷- هریشکی برسی خه و به خرمانی آو و بر دو اوینی .
- ۸- پشی له دمی نا کابه دوک ای زی سوله .

این ضرب النملها از میان ضرب النملهای ارسالی آقای ع. ش. کردپور از سفر انتخاب شده است .

خواهد بود اگر رعایا ببینند که پادشاه رعایت مذهب و عبت رانندارد ناچار آواره بفاک خارجی میشوند . در سابق دولتی زندگانی خواهند کرد که مذهب و اماموس و جان و مالشان از آتش تصب مسومن باشد و درمان نیز باشند سلطان حسین پس از قرائت مرخصه اهالی صلاح چنان میداند که حکومت کردستان را بخود کردستانیها (یعنی خانواده اردلان) واگذار نماید . لذا بتصویب اهالی حکومت کردستان را بساسلی خان که از بازار خان احمد خان پسر هلوخان بوده مفوض میدارد . و خلعت فرمان حکومت را برای او روانه میسازد . و مشارالیه بکمرته از نیک نداشت بندهشده بر مسند حکومت مینشیند مدت حکومت کبخسرو بیک بساول یکسال ناقص بوده است .

(حکومت عباسقلی خان اردلان)

پس از بیرون کردن کبخسرو بیک بساول بر حسب تقاضا و پیشنهاد خود اهالی در سنه (۱۱۲۱) هجری عباسقلی خان اردلان خلف محمدخان بیروه خان احمد خان پسر هلوخان . از بیقوله فقر و مسکنت بیرون آمده مستقبلا بر مسند عزت و حکومت جلوس مینماید .

اهالی با کمال میل و شفق کبر اطاعت او را بر میان بسته . اعزه و اشراف هم مانند شمع و پروانه شب و روز در مجلس و محضر او با نهایت ادب دایم الحضور . و از صمیم قلب گوش و چشم بر فرمان او میشوند او نیز با کمال قدرت و اختیار بر اسم حکمرانی و مملکت داری میردازد .

در سنه (۱۱۲۸) هجری امر هساولی میرسد که عباسقلی خان با جمیت کردستان برای دفع فتنه مریدوس افغان و همر اهانش بیجاقت قندهار و هرات حرکت نماید .

عباسقلی خان باعث هزار سوار زیدو آراسته و هسبار مقصد میشوند بطهران که میرسد . علیقلی بیک اردلان پسر جهانگیر سلطان (نیره کلپلی خان) که جزو سوار هابود محرمانه روسا واردو میرساند که چنگ در هرات و قندهار برای اهالی کردستان چرگشته شدن و از گرسنگی مردن نتیجه دیگری نخواهد داشت . بهتر اینست که همه برگردیم . این دسیسه در قلب سپاهیان موثر آمده شیانه همه بالاتفاق فرار میکنند تنها خود عباسقلی خان بادوسه نفر اجزاء شخصی در طهران باقی میمانند . ناچار از همنجا فرخ قندیه را برای شاه سلطان حسین عریضه میدارد .

شاه سلطان حسین از بیره گگی عباسقلی خان عصبانی شده فوراً امر بحبس عباسقلی خان صادر و خلعت و فرمان حکومت کردستان را با انضمام لقب (خانی) توسط طلیخان فراش خلوت برای علیقلی بیک مذکور روانه میدارد مدت حکومت عباسقلی خان هشت سال بوده است .

بنام آقای محمد امین هوشنده
خبرنگار نامه کوهستان
از سفر

وظیفه سنگین

قلم بشکسته، دل بشکسته جام باده بشکسته
خدا را در سرای ما چه بشکن بشکن است امشب
مظالم و مفاسد این اجتماع، آشفتنکی
و بی نظمی در نگاههای حساس کشور کردار
و رویه های مفسده انگیز، بی پروائی و
لاابالیگری برخی از افراد طبقه حاکمه
کشور رفتار دیکتاتور مآب عدای از
متصدیان امور و سایر درد های بد مان
اجتماعی چنان دست بدست هم داده اند
که دیری نمی باید که این کشی فرسوده
بگناه نداشتن يك ناخته ای خدا شناس از
طوفان حوادث شکسته و در متجرب بدبختی
ناپود خواهد شد!

آنهاست که برای ترمیم این خرابیها
و برای صلاح امور کشور و تشکیل و توثیق
يك ایران نیرومند، در مختار قدر دانگی
علم کنند در اقلیت هستند و چه بسا همین
عده معدود در معرض خطر هم واقع میگردند
خطریکه انگل های اجتماع و مسبین سیه
روزی کشور برای عناصر صالح پیش -
میآورند. هر صدای اصلاح و مساعدی که
از حلقوم مصلح ایران پرستی بلند شود
چنان گلویی را زیر فشار پنجه های مستبد
و خوبریز خود قرار میدهند که آغوش در
در مشیبه خفه شود

طبقه متور و روشنفکر کشور که حنا
از شهریور ۳۲۰ بید همواره در مبارزه
با عناصر خانی و آشوبگر بوده اند با
نفته های مخالف همان بی مایه ها قلب
حساسشان جریحه دار شده و دلشکستی
فراوانی از اوضاع دارند. حکومت هایی
هم که در این دوره دموکراسی بر سر کار
آمده اند در طرد و اذیت خادمین مطبوعات
و آزادیخواهان حقیقی ناآنجاییکه مقنن
بوده فروگذار کرده اند و شاید بقای
دولت خود را بخردن احسان عمومی
شکستن قلمهای حق نویس، بستن زبانهای
حقیقت گو و تعطیل و توقیف روزنامه های
محبوب القلوب ملت دانسته اند

موقیبه شیرازه مملکت سیروس
در پاپان سلطنت قاجار به از هم گسیخته شد
متصدیان امور آنوقت چاره منحصر بفرود
خود و مملکت را طرد و توقیف و زجر
آزادیخواهان و خادمین مطبوعات دانسته
و برای پیش بردن مقاصد خود انواع نقشه
های مکرر را بکار بردند.

در دوره بیست ساله هم از طبقه
روشنفکر حق حق گوئی سلب و انسواغ
توقیف و زجر درباره آنان مسول شد.
عشق «قرن بیستم» با تیر از پای درآمد
مدرس ناپنده واقعی ملت فدای هوسرانی
شد چندان از مدیران جراید تهدید و
توقیف شدند.

فرخی بزدی شاعر آزادبخواه که
فریاد میزد
باید از اول بشوید دست از حق میباید
در محیط مردگان هر کس اقامت میکند
در بدر و تبعید و بالاخره برای اید
دهانش دوخته شد. آن دیگری که
انتقاد کرده بود ضربت های چند عصا را
نوشید.

در این دوره دموکراسی هم مدیر
روزنامه ای از افسر عالی رتبه کنگ خورد
دستی که میبایست بر برق خاتین و جاسوسان
و دست نشاندگان اجنبی فرود آید
متاسفانه بر فرق يك خادم مطبوعات فرود
آمد.

روزنامه ها توقیف شدند مدیران
بعضی جرایم بازداشت گسردیدند. در
نقاط دوو دست مملکت حتی نمایندگان
جرایم هم در امان نماندند مثلا ناپنده
نامه کوهستان در سنجج جرم توزیع يك
روزنامه کثیرالانتشار مرکز، در سنجج
بازداشت گردید. تلگرافها و تدرکرات و
شکایات مقامات موثر مرکزی سودی
بخشیه و ثابت شد که هنوز هم در میان
طبقه حاکمه ما اختصاص مطلق انسانی
پنهانی بر همه حکم روانی میکنند بطوری
که پاره اوامر دولت هم بلا اجرا میماند
با عیلا تقان دادند که این دستگاه ها
و بارگاههای عظیم ارزشی برای افراد
قابل نیستند و باز معلوم شد که افرادی
میتوان یافت که متصدیان امور حساس
کشور را اغفال نموده و کار های خود
را در لاف قانون به آن ها غالب می-
نمایند.

اینها امثال اینهاست که مردم بیغرض
را از ادامه خدمات ملی و اجتماعی
دلسرد می کنند و آنها را که میخواهند حقا
و واقعا بسملکت و مین خدمت کنند نا امید
میسازد مشاهده این قانون شکنیها و
ظلمیها و این همه توقیف های پستیایی
مطبوعات و جرایم ملی کشور است که
باعث میشود ذوقی برای خدمت در اشخاص
دیگر نماند و همین هاست که کشور باستانی
ما را به وادی خاموشان مبدل خواهد
ساخت

ولی بانام این اوضاع اسفناک باید
گفت و نوشت ولو اینکه به تسوقیف،
بازداشت تبعید و دیگر مشقات هم منجر
گردد. باید حقایق را گفت، پرده از روی
خیانت ها و جنایات برداشت و عیلا ثابت
نمود.

ما برای ایران زنده ایم و
برای بقای مجد و عظمت آن می
کوشیم.

محل اداره: خیابان پهلوی
روبروی کوچه مریضخانه وزیری
تلفن ۸۵۳۹

چاپخانه وزارت کشاورزی

قابل توجه وزارت جنگ و ستاد ارتش از سفر

گناه من چیست؟

نتیجه يك عمر دوندگی، نریبکمرمشفت.
آری بخدا نتیجه يك دوره کسب من عیارت از مبلغ هنگفتی
است که اکنون بنام طلب در نزد سررشته داری ارتش است.
تمام انسانی که بنام انبار دار و رئیس بخش خرید و رئیس
دارائی و متصدی اختیارات و غیره با مطالبات بنده تناس پیدا کرده اند
جملگی به صحت این موضوع معترف و با احکام حتمی الاجرا و اسناد
لازم الادائی که بدستم سپرده اند مسئولیت دارائی ارتش را در
پرداخت آن حتمی و معزز دانسته اند بنابین وصف چهار مرتبه بطهران
رقم به تمام مراجع و مقاماتی که رفیع ظام و صدور امر به پرداخت طلبیم
بوسیله آنان میسر است مراجعه کردم.

توسل، تثبیت، حتی داد و فریاد و بالاخره آنچه که ممکن است
حس ترحم و شفقت مسادر امور را تا جر يك نماید بکار بروم باز
نتیجه نگر فتم.

از فرط باسو نوبندی و تجسم بیانه مفاد و مانع مادرو خواهران
گرسنام که همه چشم بر ارم بودند مدت دو ماه در تهران بستری و
مشرف بموت شدم خدا نخواست بار سنگین زندگی باین زودی ها از
دوشم برداشته شود اکنون سرمایه حیاتم عیارت از مشتی اوراق است
که بنام سند هزینه در دارائی ارتش بایگانی است بشا بر این عاجزانه
استدعا مینماید که بنام وجدان از تلف شدن شش نفر عیاله بدخت که
سرپرست آنها گناهی جز طرف شدن با سررشته داری و تفاضلی غیر از
دریافت مطالبات خود ندارد جلو گیری فرمایند.

کلاهی

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان

عطف بشد رجات شماره ۱۳۳ / ۲۴/۸/۱۴ آن نامه ملی در
مورد دادخواست آقای عیدالله قبادی دستور رسیدگی به هنگام مستقل
زاندازمری حکمران شاه صادر گردید خواهشند است شاکسی را
راهنمایی فرمایید که به هنگام نامبرده مراجعه نماید

فرمانده ژاندارمری کل کشور - سر تپ خمر و بنانه

آقای حصر وراثت

بتاریخ ۲۲ / ۱۳۲۳/۶ آقای محمد زاینده رود بشناسنامه
شماره ۵۱۹۳ با ستاد یکبرك کواهنامه و رونوشت شناسنامه داد-
خواست بشماره ۱۰۰۶/۱۳۲۴ داده باینکه مرحوم عبد الحسین
زاینده رود دارنده شناسنامه شماره ۱۹۹۱۲ در تاریخ ۱۳۲۴/۵/۱۹
در تهران جایگاه هیشگی خود فوت یافته و متناظر و آقایان مرتضی
زاینده رود بشناسنامه شماره ۵۱۹۴ و صدر الدین زاینده رود به
شناسنامه شماره ۵۱۹۴ و شمس الدین زاینده رود بشناسنامه شماره ۱۰
پسران و بانوان محترم زاینده رود بشناسنامه شماره ۳۳۶۵ واقف
زاینده رود بشناسنامه شماره ۵۱۹۵ دختران و بانوان مصومه به
شناسنامه شماره ۵۱۹۶ و طاهره بشناسنامه شماره ۱۵۶۸۱ زوجه
دامی متوفی و وراث منحصر میباشند پس از شنیدن کواهی کواهان
مراتبه اوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور
شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشت مدت سه ماه
از تاریخ نشر اولین آگهی و بودن مرتضی بر حسب تقاضا اقدام
خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت
مزبور ابراز والا در وقتنامه از متوفی غیر از رسمی و سری ابراز شود
از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

رئیس دادگاههای بخش تهران - احمد زرین نعل

نامه ها و تنگنافات رسیده
ارگر مانشاه

وزارت کشور در نوشتن نامه های مردمی کل - در نوشتن روزنامه کیهان - در نوشتن صدای ایران - در نوشتن نامه گوهستان - سابق تمذیبات و شرارت های اقبال زاده در ادارات دولتی متعدد است شب ۲۴ هجری ای را مسلمان به قریه شیروان اعزام باین اندازهی و شرارت یکدهکان را قارت را می خواستند خان را از اقلیم فوراً بزداننداری و پادگان اطلاع - آقای فرمانده گروهان یکم فولادوند در رئیس پادگان و فرمانده دسته ترسان ما را از چنگل و شکنجه و زندان آنها نجات داده و مورد تطهیر و اغفال اقبال زاده که عادت دارد مأمورین را تطهیر کند واقع شدند با نهایت صداقت و وجدان به حال ماریدگی و پرونده تشکیل دادند استدعای افاق حق داریم ما بیچارگان ضعیف بسی پول هستیم اقبال زاده قوی و پول دار است منوط بوجودان اولیای امور میباشد.

شیروان و اهالی و رعایای شیروان حاجت الله اردلان - محمد شریف - محمد ارلان - علی اکبر قاضی - عبدالله کشکی - خدا مراد رسولی - احمد اردلان - هاشم آزادی - رحمت الله اردلان - محمد خان کریمی - اردلان ازسقر

اداره کل جیره بندی - کبیه ریاست مجلس - کبیه گوهستان - کبیه باستان اهالی شهبده ستر از هر موقع مقامی با قبول ضمانت و خسارت طاعت فرسا حسامیت و میهن پرستی را برضه زندگی غیور شمرده و توسل به هوسجی گری و تشکیل احزاب و دسته بندی را بدترین معایب حیاتی دانسته همواره با آغوش باز از کلبه مقررات کشور متبوعه استقبال نموده

در انتظار توجهات اولیای امور امیدوار بدینخانه بعضی از متصدیان نجات این ملت مظلوم را سوءتعبیر و بادیده کرد بلکه میکنند که از هر طرف ارزو میرند آنها را مورد استفاده قرار دهند منجمله سه ماهه شکر و جای اعطای شهربور مهر و آبان اهالی ستر با موجودی ۳۷ تن شکر و ۵ تن جای در انبار اقتصادی ستر تا کنون توزیع شده و معلوم نیست آقای صادقی رئیس اقتصادی ستر چنانچه شکر را در انبار اقتصادی ستر تا کی و بچه منظوری ضروری دانسته که از صدور اجازه بخش سه ماهه تا کنون خودداری نمایند استعای استرحام و صدور حواله فوری بمنتظیم:

قاملی - معینی - عزیز صدیقان - حسین صالحی - طلوعی - جلیل صالحی - مهدی ابراهیمی - مظفر خسروی - خزری - خضری - صاحبی - محمد زاده - محمدی - احدی خیامی - علی تپه کوهی - نصراللهی - سلامی - سیف دارائی - صادق اسکندری یوسفیان

تلگراف کنند

تلگرافی بامضای آقایان: عزیزا اتابکی - عبدالرحمانی خداوردی صالحی - اسامقنی یوسف شاهر - الها بیرونی - احمد مصطفی سلیم رمضان - حیدر خاموش - مجید بزدانی - مهدی مرادی شیخ مراد همدان - میرزا خان نگاری بدی شرخانی - نوذرجهانگیری باداره روزنامه رسیده و در مقدمه تلگراف در جواب آقای سلیمان یونی تحت عنوان در اطراف سلسله مقالات کرمانشاه منسوک در شماره ۳۲ روزنامه گوهستان نوشته اند:

آقای سلیمان یونی اینکه در مقاله خود نوشته اید قاطبه وجود اهالی کرانه شکابانی از جناب آقای عبدالعزیز حیاتی سهام - السلطان مالک کرانه دارند و چون هیچ منافی بشکایت آنها رسیدگی نکرده ناچار بشما متوسل شده و شمارا سرپرست و داورس خود دانسته اند برای استحضار خواننده گان محترم در پاسخ شما اشارت میدارد:

۱ - آقای عبدالعزیز حیاتی کوچکترین تعدی و اجحافی به احدی ننموده و بر خلاف اصول و معمول مالک رعیتی و فئاری نکرده و قریب هفتصد سال است اهالی کرانه با خانواده محترم ایشان مثل پدر و فرزند بوده و هستند.

۲ - اگر کسی شکابانی از ایشان و با از او بزرگتر داشته باشد هیچ اشکالی و مانعی ندارد که دادگستری استان پنجم موضوع را رسیدگی و تیبجه و افاق حق بنماید بخواه اگر دستگاه قضائی و مقامات دولتی نتوانند جلوگیری از مظالم اشخاص بنمایند شما صحتی هستید و چه هستید که بتوانید کوچکترین اقدامی بکنید.

۳ - احدی از اهالی کرانه چنین نامه بشما ننوشته و کاملاً مورد تکذیب بوده و ساخته وجود شماست و کرانه لاف افاضی چند نفر از آن ها منباب نموده مینوشید ...

و در آخر تلگراف مطالبی نوشته بودند که جنبه خصوصی و مبارزه شخصی داشت که از اجاب آن صرف نظر شد.

در اینجا لازم است برای روشن شدن ذهن خواننده گان اظهار شود که حکایت مورد بحث آقایان امضاء کننده گان ساختگی بوده زیرا یک نسخه از آن که در دفتر صفحه و نیم بزرگ میباشد فعلاً در دفتر روزنامه هم موجود و با امضاءهایی با تعیین نام و شماره شناسنامه میباشد کبیه های هم بدربار شاعتشاهی نسبت وزیر و وزارت دادگستری و غیره داشته است و بطور خلاصه پس از تذکر مقدمه ای راجع به مطالب ذیل:

ازسقر
آقای رسول میهن زاده شرح مفصلی نوشته و راجع بیکدیگر موضوع اطلاعاتی برای ما فرستاده اند از اظهار علاقه ایشان متشکریم.

ازسقر
آقای خلیل اغشوان در موضوع شکایتی که از ایشان شده بود و به دادگاه ستر مربوط بوده شرحی نوشته و از آقای رئیس دادگاه اظهار قدردانی نموده است از سندج هفت گذشته باران مفصلی باریده که بسیار بوقوع و موجب امیدواری کشاورزان گردیده.

بقیه در صفحه ۸

ترک گذاشته شده بود. معلوم شد فرماندهی ساکو بجای اینکه آراواتی ها را ازواگذاری اراضی فوق الذکر بترکها مطلع سازد آنها را اغفال نموده و ساطع تبلیغ و حده ای مردان مسلح را از آراوات خارج و بایران جلب نموده بود. بعلاوه در ضمن دور کردن ایلات ایران از سرحد آراوات یک قسمت از اهل قزلیش اولگی که چند سال قبل بترکیه وارد و در این جنگ آزادی عامور حفاظت جبهه شمال شرقی آراوات (سردار بولاغی) شده بود از طرف فرماندهی ایران تامین داده شده بایران برده شده بود حکومت ترک باتلیفات زیاد آمیخته به تهدید میخواست مجاهدین آراوات را وادار باطاعت نماید خصوصاً میان مجاهدین حیدران فعالیت مینمود. کافندی هم به بروی حسکی و شیخ عبدالقادر نوشت آنان را تامین می داد و تکلیف میکرد میلیون حیدران و جلالی بدهان اصلی خود برگردد و باطاعت در آینه فدائیان کرد بالمسک. گرسنگی، بریقانی وحشی کشته شدن رادوزیر پرچم ملی خود به برکشتن و تحت اطاعت ترکها قرار گرفتن ترجیح میدادند، فقط از آنان عبدالله حسن آقا باپسر خود بایزیه بترکیه برگشتند ولی جان بیزاران حیدری را ما برایشان بسته خواستند آنان را بکشتند و لو ساطع روسای آراوات باعث نجات آنها شده باشد شنبه شد که پس از سقوط آراوات آن بپر مرده بیچاره را ترکها آقدر زده بودند که دوزیر شلاق جان سپرده بود حله آراوات شروع شد لشکر های ترک پیش می آمدند آراواتیها از پشت سر از سرحد ایران آسوده خاطر بودند.

این منطقه را بطرف میدانند از اینرو زن و بچه و احشام خود را به نزدیکی سرحد ایران روانه کردند. افراد جنگی جلوی حمله های ترکها را

گرفتند. قدما داشته مانند سالهای پیش آرام آرام قشون ترک را به وسط آراوات کشیده غسته و فرسوده نموده در میان سنگ های بزرگ مخوف و دره های عمیق پراکنده و نابودش سازند. دست ای از هواپیماهای ترک در آسمان آراوات پسر او سکرده محمولات خود را اکثر بر سر عیال و اطال بیگانه می ریخت این دست مأموریت خود را انجام داده دست بگری بیدار میشد و بیابان شروع میکرد بروی حسکی با چند نفر حمله سوری چناح راست جبهه فریبا کرت میشکوب شده بود. حمله های شدید بی در بی بیاده نظام ترک نمیتوانست تکانی باین سد سید بدهد تنها اجل میتوانست صدای تیر برورا در آن نقطه خاموش کند.

روز اول جنگ پایان رسید. هر دو طرف متعاصم بحساب خود از وضعیت جنگ راضی بودند. روز دوم آراواتیها با فداکاری فوق العاده به سنگهای یادگاری اجدادی خود چسبیده داخل یک تیرد خونین شده بودند. در این موقع از پشت سر، از سرحد ایران برخلاف انتظار اول صدای توپ از آبی بی نقطه پشت سرحدی ایران، بدشلیک پیاده و مسلسل ها بلند شد. پسرای آراواتیها خیلی ناگوار بود که با قشون ایران بهر نحوی صکه باشد داخل برد شوند.

فرمانده کرد این واقعه را ناشی از یک سوء تفاهم پنداشته بامید اصلاح دستور عدم مقاومت در جلو قشون ایران داد خود نیز بان ست حرکت کرد ولی وقتی سرحد رسید چیز باور نکردنی دید: سنگهای ترک از خاک ایران هم از پشت پا آراوات حله خود را آغاز نموده بودند معلوم شد دولت وقت ایران با تقاضاهای دولت جمهوری ترکیه موافقت نموده قسمتی از خاک خود را که در پشت آراواتیها واقع بود برای از بین بردن این کانون ملی کرد کانون نژادی ایران را در تحت اختیار فرماندهی عالی ترک قرار داده است.

برای رفع مشکلات

بقیه از صفحه ۱

وا که اصلاح طلبان آرزو مندند ایجاد شود و از آن کار و خوشبختی سرچشمه گیرد.

این دوره دو کراسی تمام اینهار ابقراموشی سپرده فرمانداران را خواب روده و مردم را خیار نومیدی پوشانید شاید خواب و یا جرت زدن فرمانداران شامم تقصیرش بر متوجه آنان نباشد شاید وصول حتی پاسخی بگزارش های مکرر آنان آنها را به خیاباره کشیدن واداشته و چون پاسخی نرسیده خیاباره که مقدمه خواب است جای خود را بچرت و خواب سپرده باشده شا باید آنها را از این خساری و بچرت خارج سازید به نوشته های آنها ترتیب اثر دهید و آقدر گوش کنید بکه پس از این خواب و استراحت چند ساله بروی کار وجدیت از نو گرفته شود.

این رضع خراب شهر دارها اصلاح شود این دستکاه شهر دارها که یک پول بدل مردم مفید نیست افلا تکالی بخورد و غیر از دمه بر جیب افلا اثری هم بر خ مردم کشیده شود.

آقای وزیر جنگ شما قطعا تا حدی با وضاع کردستان واقف هستید و از جریان جنگ های بیپرده چند ماه اخیر هم استحضار دارید و قطعا خوب میدانید که باجه کیفیت هم پایان یافت ولی اطمینان دارم بدل ریش مردم که از چند نفری از ما مورینان غرن خون شده اطلاع کافی ندارید شاید شما آن صورت حقیقی کردستان را نشناسید زیرا قضاوت و اطلاعات شما از روی آن چیزهایی است که بر صحنه کافت آمده و گزارش شده و شاید از اشخاص بی طرف هم اطلاعات دقیق کسب ننوده باعید ولی قطعا بنا سابقه میدانید که همیشه پرونده صادق نیست گاه هم با شدت و ضعف پرونده های میسازند دروغها را راست و راستها را دروغ بلوه میدهند حق هارا باطل و باطلها را لباس حق میپوشانند ولی بالاخره روزی خواهد رسید که این پرونده های عظیم حق کش هم دیگر قادر بکنان حقیقت نباشد.

برای اینکه این اوضاع خراب ادامه نداشته باشد و این بیاس و ناامیدی را که روز بروز در اذهان مردم قوت میگیرد بشوین ریشه کن نمود لازم است جنساحالی آقای وزیر جنگ قدرتی جسویای حقیقت بسازید لازم است مأمورین فاسدی را که جز کس مال کوچکترین نظری ندارند و ارتش را فقط برای استفاده خود میخواهند و از هیچگونه خرابی و فساد مضایقه ندارند شدیداً تشیه کنید و این دوه حقیق ساختگی را که بین مردم و ارتش بوجود آورده اند از میان بردارید اگر گفتند فلان مأمور دزد است باصالح است نالایق است آرتانوهی بی ارتش نیندارید بلکه تحقیق کنید اگر صحیح بود گوینده را تشویق کنید که بسا شما در این مسئولیت زرگی که برعهده دارید کمک نیابذ.

اگر چه نوشته قدرتی طولانی شد ولی تذکرات چندی برای جلب دقت فرمانده لشکر کردستان هم ضروری است.

آقای سرتیپ های یوزی قطعا آتیبه را که ما نا باحال در صحنات روزنامه متمسک نموده ایم جناب عالی دریافته اید که فقط مشت از خروار مجلس خرابی ها و هرج و مرجی را که متصدیان تبلی شما فراهم بوده ۹۹ در صدش تمدی و ناشی از بی تدبیری یا سوء نیت بوده تکرار و تذکر آنها را فعلا ضروری ندیدانه زیرا بقراری که میشنویم رفته رفته این خرابی ها مرمت میگردد ولی لازم میدانیم در اینجادهت شما را بمناسط با نه و سر دشت جاب نموده بگوئیم مردم اینجا سخت در فشارند و نا ملایمات و حبس های بی حجه و ترمض های ۲۰۰۰ آنها را بی چاره کرده بطوریکه ممکن است عده ای ترک وطن را بر تحمل این اوضاع ترجیح دهند تمام این اوضاع ناشی از نفع پرستی چند نفر از افسران پادگان آتیباست شما پس از رسیدگی اول باید دست این اشراذ واقی را کوتاه کنید و راجع به چند نفر مأمور که تا اوایل ورود شما هم در این مناطق بجان مردم مبتذاخته تحقیقاتی ندرده نتیجه را به مرکز اطلاع دهید تا اولیای دولت افلا بدانند که مردم آن نواحی گناهی ندارند و هر اتفاقی که می افتد از هیئتگوه مأمورین فاسد سر چشمه میگردد.

و اگر احیاناً بگویند ما در این کشور حق حیات داریم افلا اولیای انور این گفته را سوء تمیز نشایند.

بقلم آقای ت. امینیان

اراده چیست ؟

اداره از غرایز فغاری و منکنونه هر فرد است و در ضمنی لغوی به تصمیم عزم نیز نامیده میشود. رکن لازم از اصول مهمه صفات انسانی است.

کسیکه در زندگی دارای عزم نباشد چون چرخ دوازی در اثر افکار متضادهیسه در زندگی سرگردان و حیران است.

اشخاص فائده اراده کمتر کتایب میشوند بزرگایکه در جامعه بشری بد ارج سروری و پیشوائی و درجات رفیعه رسیده اند بطور کلی دارای اراده ثابت و لایتنبری بوده اند.

اراده نه فقط برای وصول بر مراتب عالیه لازم است بلکه گسایکه هیچگونه منظوره و مقصودی در زندگی ندارند ناگزیر از داشتن عزم واضح میباشد فلان کاسب بازار چنانچه اراده نداشته باشد و

برای خرید و فروش کلای کسو هزاران استخاره و استشاره بعمل آورد بدیو است سال بیابان میرسد و او تنواسته هر روز یک قلم جنس خرید یا بفروش برساند.

جمله منترخه که در این فصل ناچار از تذکر آن میباشیم این است که در میان اقوام مسلمان اراده و عزم بطور قطع با یستی یا توکل بستگی و امتزاج داشته باشد یعنی

شخصی که به عقیده مذهبی متوکل باشد صاحب اراده خواهد بود.

اراده خدر تقیض و سوازی، دو دلی و بو فقلونی بوده بانه از آنکه عزم و اراده از صفات حسنه و سعایای فاضله میباشد و سواس منکروه و اساس بدبختی است.

در بالا فقط بکنفر کاسب را در صورت عدم اراده مورد مثل فرار دادیم در صورتیکه تاجر - زارع - ملاک - کشاکش - بفال عطار و وعده شام این مثل خواهند بود بیایه -

الاخره طبقات بخصوص بلکه هر فرد زنده در زندگی نیازمند اراده و عزم ثابت می باشد.

گاهی بعضی اشخاص در ضمیر خود عزم و اراده را با لجاجت و اصرار تعبیر

مینمایند در حالتی که طرقت این سعادت بکلی باهم متفاوت و جدا میباشد مثلاً کسی تصمیم بغیریتی میگردد فردا با اینکه اطلاع پیدا می کند که فلان جنس بازارش کساد و منکن است پس از مدتی هم کساد تر شود باز خود را از ننگ و نوبندهاخته و بحرف شریک یا اشخاص دیگری نیز قانع نشده و جنس مورد معامله و امیر گردد. این شوق را لجاجت می نامند و هیچ نسبت و ربطی با اراده و تصمیم ندارد.

شاید همین مثل ساده کافی باشد که معنی و مفهوم عزم و لجاجت را با هم ممیاسارید. در تاریخ و بلکه در زندگی روز مره شواهد زیادی در دست داریم که لجاجت و اصرار بی موضوع چه شیخ و خطا های حیران نا بدبری برای افراد تولید کرده پس باید دقت و تمیق نمود که لجاجت را بجای تصمیم بکار نبریم.

در تصمیم باید اطراف و جوانب کار را بررسی کنیم اگر موضوع کاری خوب و پیشرفت منتهی است البته باید با عزم و اصرار آذنیال کنیم و اگر نتیجه موضوع بجاهای بی می کشد و خسارت و زبانی بالطبع بار میآورد یا بستی لجاجت نکنیم این ساده ترین میزان برای تشخیص بین اراده و لجوجی است.

خواننده گرام شالا هر طریقه و صنعتی هستد در زندگی خود اراده و پشت کار پیدا کنید مطمئن باشید هم برای خود هم برای جامعه مندم و مستمن شواهد بود چون همیشه انعکاس اعمال خوب و بد افراد است که در جامعه متمسک میشود و اجتماع همان

تجمع افراد است. حالا تا این افراد چگونته باشند اگر خوب اند که جامعه هم خوب خواهد بود و اگر افراد بد باشند طبیعتی است جامعه نیز مقبول نخواهد شد.

اینستکه میگویند فلان جامعه رو بسواد می رود یا اجناع بطرف انحطاط اخلاقی سیر میکنند یعنی افراد فاسد و بد اخلاق شده اند و این فساد و بد اخلاقی بر جمع غلبه یافته و در تمام مظاهر جمعیت یا اجتماع مشهود و هویدا است.

تلگرافی از کرد

بقیه از صفحه ۷

- ۱ - چگونگی ضبط کردن و دریافت سند مالکیت از طرف آقای حسینی.
- ۲ - موضوع املاک و بیجات یاران بان زرده سر آسباد قصر شیرین.
- ۳ - موضوع ده کالی وش
- ۴ - دریافت حق عبور از احشام در سرخه دیزه
- ۵ - استفاده از اثاثیه ای که در سوم شهریور نیرو پس از عقب نشینی در سرخه دیزه بجا گذاشت.

پس باصل موضوع شکایت و جریان خریداری کرده از طرف شاه سابق و اقدامات و شکایات خود پس از شهریور ۲۰ و مزاحمت هایی که آقای حیاتی برای آنان فراهم نموده اند برداشته و خیلی مفصل و مشروح مطلب رایبان کرده اند.